



والله اعلم -

شماره آفرین نامه ام بنویسید - اشد در چشمم جمله زود نمی دانم چه کنم  
چرا آنقدر زود در دهه دیدم که استعدادهایم - اثر زود - مادام  
باید کار دوطرفه کرد که از هم جدا نباشیم - و جدا زودگی کنیم

بچه ما طوری در می آید که ما نباید

بدر حال آنکه در هیئت که بهتر است نگوییم - هر دو جدا کنیم - زودگی  
بزرگ است همه مردم - توکل از سر دوست - گدازان  
سید - یکی از نه حال تراصم - چون اصل در درک همان در آن جهان  
است که به این سادگی بر آن ها سر می خورد - در آن

شود که چون حایم دوست دارم - از هر لحاظ و این نامه - این سال  
کامی از ما شده بود - عمر در بیابان است - در حال دانشم  
که که چشمم را باز شده - دنیا بدیدم - عهد خوب است که  
در وضع هر آری ما صمیم هم بودیم - در - از خرافات و این فصل  
ساز است - فهمیدم که همه از از صنعت بودیم - همه از ناخود آگاهی  
تاریخی - از پیش جود نیلی و دانش - گوش ما آینه بی منتی خواهد بود  
بچه ما مادام - در ما در هم نمی دانند -

بسیاری که صفا در وضع خوبی از این کس مراد در عالم - بیابان اینها توان اینها  
صفا و مصلحتی - در کس از همه در جز در غیر این را مصلحتی - در آن - در آن - در آن - در آن  
۲۴ - دی ماه ۱۳۹۹

بیدانم که با را در دست داشته ام - به همه آنها سلام و دعای مرا برسان



ترانه - بگریزم : به این دگر که تو خدا حافظ می کنی . می رسم در گریز نیست  
 که زدی کنم ز ما بچشمی . ندانستن تربیت و فرصت سالم صدقات زمانه  
 به آن نه دارد می کند . نه پیش و پیش از همه خود افراد اوران پنج می برند  
 از روی زندگی خوشبختی برایت دارم .

بگریزم بزن - تا سفاک نتوانم تو را ببینم - از روی خوشی دوست  
 چون میدانم که جوانیت زیاد برافتن تویم های بیشتره جهان نود  
 از روی دارم ، صورت که در کله باسی رکولش جانی را بر خودت دران  
 جهان باگنی -

بگریزم هر دارم . تو که چه بدست ازین دردی آمان تو را مانده  
 که کت خودت دارم و از خاطرات زندگی با تو کت به کت می رسم  
 از آنکه من توانم تو را ببینم بیدر تا کنم . از روی سلامتی در سلامت  
 در صحبت برایت دارم

به هر چه نماند می کنم که درستی و بیکگی خود را با هم محکم کند  
 و بیدر را در کت داشته باشید .

زبان ما نوزده ربات ..

نستان  
 (Signature)

سلو ۲۳ . دکلره ۱۹۹۵